

اشاره

در قسمت اول این مقاله به بررسی دیدگاه های مختلفی که در مورد جهان آینده و آینده جهان ارائه شده پرداختیم و نگاه متفکران مغرب زمین و نگاه ادیان الهی به سرنوشت نهایی بشر را مورد بررسی قرار دادیم . در این قسمت به بررسی مهمترین شاخصه های تمدن مهدوی به عنوان بزرگترین تمدن جهانی اسلام می پردازیم .

مهدویت نماد تمدن جهانی اسلام

مهدویت یک فلسفه بزرگ جهانی است، در این باور سخن از سراسر زمین است که به انسان های شایسته به ارث می رسد . سخن از «استخلاف» (1) در کره خاکی است . سخن از قوم، سرزمین، و یا نژاد ویژه نیست . اعتقاد به جامعه مهدوی و تمدن اسلامی، باوری است فراگیر و فلسفه ای است جهانی که همه تمدن ها و فرهنگ ها را زیر پوشش می گیرد . به گفته شهید مطهری :

یک فرد، سه دوره کلی دارد: کودکی، که دوره بازی است، جوانی، که دوره خشم و شهوت است، و دوره عاقله مردی و پیری، که دوره پختگی و استفاده از تجربیات و دوره دور بودن از احساسات و دوره حکومت عقل است . اجتماع بشری [نیز] سه دوره را باید طی کند: یک دوره، دوره اساطیر و افسانه ها و به تعبیر قرآن، دوره جاهلیت است .

دوره دوم، دوره علم است؛ یعنی دوره خشم و شهوت . . . [و دوره سوم] دوره ای که واقعا در آن معرفت و عدالت و صلح و انسانیت و معنویت حکومت کند؟ چگونه می شود چنین دوره ای نیاید؟ مگر می شود خداوند این عالم را خلق کند .

. . . و بشر به دوره بلوغ خویش نرسیده، یک مرتبه تمام بشر را زیر و رو کند؟ (2)

عقل و خرد هر انسان خردمندی چنین داوری می کند . در راستای تکامل فردی و اجتماعی، باید روزی و روزگاری باشد که استعداد های بشری جلوه گر شود، و غنچه های اندیشه ها بشکفد، مهرورزی ها رشد کند، و روح انسانیت و معنویت، فضای زندگی را بپاکند، تا در سایه اجرای عدالت فراگیر و همه سویه، فرهنگ و تمدن بشری، به اوج خود برسد . و آسایش و آرامش، بر زوایای گوناگون جامعه پرتو افکند .

مراد ما از واژه تمدن و فرهنگ، مفهوم گسترده آنهاست . هر تمدنی، فرهنگ ویژه خود را دارد . تمدن و فرهنگ هم در یکدیگر اثر می گذارند و هم از یکدیگر اثر می پذیرند . فرهنگ زیر بنا و روح تمدن است و تمدن، بستر دامن گستر و رشد و بالندگی فرهنگ، تار و پودشان درهم تنیده است .

تمدن اسلامی، هرآنچه را که در حوزه قلمرو تمدن اسلام، با الهام از آموزه ها و اندیشه های اسلامی، ساخته

شده، دامن گسترانده، ژرفا گرفته، لباس نو پوشیده، از کهنگی به در آمده و از حالی به حالی درآمده و دگرگونی ویژه پذیرفته در برمی گیرد، چه مادی باشد؛ مانند: معماری، کشاورزی و صنعت و چه معنوی؛ مانند: سنت ها، باورها، اندیشه ها، فلسفه ها و دانش های گوناگون .

روح تمدن اسلامی، با بعثت پیامبر اکرم (ص) بر کالبد جامعه انسانی دمیده شد و در مدینه النبی، هسته نخستین تمدن اسلامی، پی ریخته شد و کم کم، نسیم آن، فضاها را دیگر را درنوردید و به سرزمین های دیگر راه یافت و امت ها و ملت های دیگر را دگرگون کرد .

اسلام، با فرهنگ و اندیشه ناب و والای خود، راه را برای هر چه شکوفاتر شدن تمدن اسلامی هموار کرد . تمدن اسلامی، با الهام و استفاده از فرهنگ پرمایه و والای اسلام و بهره وری از تجربه ملت ها و تمدن های پیشین، تمدنی بی بدیل شد و سرزمین های بسیاری را زیر چتر خود گرفت و در پرتو خود از تاریکی و جهل به درآورد و به اوج روشنائی و دانایی رساند .

این تمدن سترگ، قرن ها پایید و درخشید، کم کم، اختلاف ها، ناشایستگی های حاکمان، اشرافی گری ها، تجمل پرستی ها، دور افتادن مردمان و حاکمان از قانون ها و آیین های اسلامی، پایبند نبودن آنان به قانون های شریعت، آلودگی به گناه و ستم، تن پروری ها و تنبلی ها، خود بزرگ بینی ها و . . . سبب شد تمدن اسلامی از اوج به فرود آید و از سرزمین ها کوچ کند و در دیگر سرزمین هایی که آن را پاس می دارند، قرار یابد و منزل گزیند . اما این وعده خداوند است که بار دیگر پرهیزگاران و خداجویان و خداپاواران، حاکم بر زمین خواهند شد و تمدن مهدوی، به گونه گسترده و همه سویه، رخ خواهد نمود و بر تمام فرهنگ ها و تمدن های زمان خود، چیره خواهد شد و مدینه مهدوی، به عنوان مدینه کرامت، عزت، برکت، عدل، امنیت، غیرت، اخوت، رحمت، رافت، صلابت و مدینه ایده آل و دولت کریمه، (3) طلوع خواهد کرد و به زمین روشنائی خواهد بخشید .

امام مهدی (عج) مدینه ای را سامان خواهد داد و بنیان خواهد گذاشت که وجهه «رحمة للعالمین» (4) بودن او بر همگان آشکار و حوزه رسالتش «کافة للناس بشیرا و نذیرا» (5) باشد .

تمدن مهدوی، تمدن مادی و معنوی است . این دوبال زندگی، با هم به پرواز در می آیند و همیشه و همه گاه، چه در اوج گیری ها و چه در فرودها، یکی کمک کار دیگری است و هیچ یک، بی نیاز از دیگری نیست . هر یک فلج شود و از کار بیفتد، دیگری را فلج می کند و از کار می اندازد .

اگر پرسیده شود که تمدن مهدوی در جهان امروز، چگونه سر بر خواهد آورد . مهدی (عج) چگونه انسان امروز را با فکرها، اندیشه ها، سیاست ها، مکتب ها و گرایش های گوناگون در زیر یک پرچم گرد خواهد آورد و در برابر این همه ابزار جنگی می ایستد و مرام و مسلک نوینی را به جهانیان عرضه خواهد داشت؟

در پاسخ به این پرسش، باید به دو نکته توجه داشت:

الف) نشانه هایی وجود دارد و بیانگر این نکته است که: بشر، دیر یا زود، براساس فطرت وحدت جوی خویش، به سوی یگانگی، همکاری و همدلی، حرکت خواهد کرد:

خوشبختانه امروز بحث کردن از مساله حکومت واحد جهانی، از پنجاه سال پیش آسانتر است . امروز، وقتی که صحبت از حکومت واحد جهانی می شود، به گوش آن قدر سنگینی نمی کند . . . چون خود دنیا، قطع نظر از معارف اسلامی همین حرف ها را می زند و به این طرف می رود . تعبیر دهکده جهانی به عنوان یک بحث کاملا جدی، در محافل تصمیم گیر دنیا مطرح است . تعابیر دنیای تک قطبی و جهانی شدن . . . تاسیس بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، تاسیس سازمان ملل، شورای امنیت، پلیس بین الملل، دادگاه جهانی بین المللی، و

جهانی شدن اقتصاد، فرهنگ و کارهای سازمان هایی مثل یونسکو و یونیسف و بهداشت جهانی، نمونه ای از این اعمال است . (6)

ب) بی گمان تلاش های آن حضرت در راستای پیشرفت تمدن، توسعه و رشد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خواهد بود . همان گونه که در قلمرو تمدن آغازین اسلامی، بین ملت ها، قوم ها و امت های گوناگون، همکاری، همراهی و هم فکری، که لازمه پیشرفت تمدن واقعی بود، به وجود آمد و همزیستی مسالمت آمیز بین گروه ها و قوم ها و ملت های گوناگون ممکن شد، در زمان حضرت مهدی (عج) نیز چنین پدیده ای رخ خواهد داد و همدلی و همراهی جلوه گر خواهد گردید .

البته تمدن اسلام، در آخر زمان، مانند تمدن اسلام در آغاز، دنباله رو دیگر تمدن ها و فرهنگ ها نخواهد بود؛ بلکه راه و رسم جدیدی را پی خواهد افکند، این تمدن با اینکه از همه تجربه های بشری بهره می برد، ولی چون گوهر آن، از وحی سرچشمه می گیرد و هسته اصلی و مرکزی آن را وحی و پیام الهی تشکیل می دهد و از هرگونه خرافه ای که در طول زمان بر چهره آموزه های اسلام نشسته، پاک و بری است، نو جلوه خواهد کرد، به گونه ای که گویا برای نخستین بار است، که چنین تمدنی، با این ویژگی ها، چهره می نماید و جلوه گیری می آغازد . (7)

امام عصر (عج) روح تمدن دینی را در کالبد تمدن های کنونی خواهد دمید و روند تکاملی تمدن ها را شتاب خواهد بخشید . آن حضرت، با استفاده از تمامی ابزار زندگی مدرن و پیشرفته و با به کارگیری سالم سلاح ها و تکنولوژی های موجود در جهان چهره زندگی انسان ها را دگرگون خواهد ساخت .

البته این آرمان با ایجاد مرکزیت یگانه و مدیریت و حاکمیت واحد و توانمند و فراگیر، جهانگیر و جهان شمول خواهد شد و این حقیقتی است که بر زبان رسول گرامی اسلام (ص) جاری شده است که فرمود:

لما عرج بی الی السماء . . . قال الله عزوجل و عزتی و جلالی لاظهرن بهم دینی و لأعلین بهم حکمتی و لاظهرن الارض بآخرهم من اعدائی و لامکننه مشارق الارض و مغاربها و لاسخرن له الريح و لاذللن له السحاب الصحاب و لارقینه فی الاسباب . . . ثم لادیمن ملکه و لاداولن الایام بین اولیائی الی یوم القیامة . (8)

در سیر و سفر آسمانی [معراج] . . . خداوند عزوجل به من فرمود: به عزت و جلالم سوگند! [به دست دوستان و بندگان شایسته ام] دین و آیینم را پیروز خواهم کرد و حق را برتری و اعتلا خواهم بخشید . زمین را به دست آخرین حجت، از نابکاران و دشمنان پاک خواهم ساخت و او را بر شرق و غرب عالم، چیره خواهم ساخت . بادهای و ابرها را در اختیار او خواهم گذاشت اسباب پیروزی او را فراهم خواهم ساخت . . . آنگاه، حاکمیت و دولت او را تا برپایی قیامت میان دوستانم دست به دست قرار خواهم داد .

از این بیان نورانی به چند نکته می توان دست یافت:

- جهان در انتظار مصلحی است که روزی ظهور خواهد کرد و این وعده حتمی پروردگار است .
- آن ولی خدا، تمام زمین را از وجود تبهاران و آلودگان پاک و پاکیزه خواهد کرد .
- حوزه حکومت و قلمرو نفوذ او شرق و غرب عالم را فرا خواهد گرفت .
- امدادهای غیبی و عوامل طبیعی به او یاری می رسانند .
- پس از پیدایش آن حاکمیت و رهبری، تمدن دینی آخرین شیوه زندگی خواهد بود و تا پایان جهان و قیام قیامت پایدار خواهد ماند .

بنیان گذاری و ادامه حکومت و تمدن آخرین، به دست بهترین بنده خدا، حضرت مهدی (عج)، و با کمک و یاری بندگان شایسته پروردگار خدا، پس از آن که همه نظام ها و رژیم های سیاسی جهان، امتحان خودشان را داده

باشند، به عنوان آخرین حکومت در تاریخ تمدن بشر، رخ می نماید و بشر تشنه عدالت و مدیریت صالح و سال را، اداره می کند .

امام صادق (ع) درباره این دولت می فرماید:

دولتنا آخر الدول ولن يبقى اهل بيت لهم دولة الا ملكوا قبلنا لئلا يقولوا اذا راوا سيرتنا، اذا ملكنا سرنا مثل سيرة هؤلاء و هو قول الله عزوجل: «والعاقبة للمتقين» . (9)

دولت و نظام ما، واپسین دولت خواهد بود . همه گونه دولت ها پیش از این سر کار خواهند آمد، تا نگویند اگر ما هم سر کار بودیم، چنین و چنان می کردیم . و این است آن حقیقتی که خداوند در قرآن فرموده: «عاقبت از آن پرهیزگاران است.»

پیام روشن این سخن معصوم (ع) آن است که: بشر باید تمام فراز و نشیب های سیاسی و اجتماعی را پشت سر بگذارد، همه گونه حکومت ها و دولت های بشری را پیش از ظهور تجربه کند، به ناکارآمدی و ناتوانایی آنها پی برد و ضرورت نظام توانمند و دیریت شایسته و فراگیر را با تمام وجود احساس کند . در آن شرایط است که دولت حضرت مهدی (عج) به عنوان نظام رهایی بخش و رهبری کارآمد در سطح بین المللی و جهان اعلام موجودیت می کند و پایه های تمدن جهانی خویش را با همکاری، همدلی، همراهی مردمان پروا پیشه و مدد های غیبی پی می ریزد و چهره دنیا را دگرگون می سازد .
پیامبر اکرم (ص) فرمود:

وی [امام زمان] هنگامی قیام می کند که دنیا را هرج و مرج فرا گرفته و کشورها به یکدیگر شبیخون می زنند، نه بزرگ به کوچک رحم می کند، نه نیرومند بر ناتوان مهر می ورزد . (10)
و نیز امام باقر (ع) فرمود:

قائم قیام نمی کند، جز در هنگامی که ترسی شدید مردم را فرا گرفته، بحران ها، آشوب ها، گرفتاری ها و بیماری آنان را در برگرفته باشد، کشتار وحشیانه، درگیری شدید و تفرقه دینی بین مردم محسوس شود و به گونه ای دچار رنج و افسردگی شده باشند که صبح و شام آرزوی مرگ کنند . آری وی در ناامیدی مطلق مردم، ظهور و خروج خواهد کرد! (11)

جوهره تمدن حضرت مهدی (عج)

تمدن جهانی اسلام، به رهبری امام زمان (عج) دارای روح و جوهره ویژه ای است که دیگر تمدن ها از آن بی بهره اند . جوهره ویژه تمدن اسلامی، آموزه های وحیانی است . آموزه های وحیانی، به تمدن اسلامی در گذشته جلوه ویژه ای بخشیده و آن را از حالت مادی صرف به درآورده و در هاله ای از معنویت قرار داده بود .

در تمدن اسلامی استوار بر وحی، انسان رها نیست و خدایگان ندارد و خدای او یکی است که باید در برابر او به کرنش و نیایش بایستد . و از دایره بندگی خدا بیرون نرود: «یعبدوننی، لایشركون بی شیئا.» (12) این تمدن رسالت دارد که انسان را از زمین برکند و آسمانی کند و او را با زیبایی ها و حقیقت های آسمان آشنا سازد و در بستر ارزش های وحیانی و قرآنی، دنیای بهتر و زندگی ارزشمندتری را به وی ارزانی بدارد .

آنچه در تمدن امروز بشری کمتر به چشم می خورد، خداست و دلبستگی به عالم معنی و پایبندی به اخلاق و ارزشهای والا .

تار و پود تمدن مادی، سود بیشتر است و سرمایه اندوزی . سود بیش از هر راهی که ممکن شد . سرمایه اندوزی،

با هر ترفندی که شد . مهرورزی، دیگر دوستی، عشق به خوبی ها، زیبایی ها، ارزش ها، پاکبازی ها، ایثارها و . . . در گردونه سودجویی و سرمایه اندوزی، معنی ندارد، و خوبی ها و ارزش ها در این گرداب رنگ می بازند . در تمدن سرمایه داری و مادی، مصرف زیاد، اسراف و تبذیر برای به گردش درآمدن کارخانه ها و گرم ماندن تنور سرمایه داری اصل است و باید با تمام توان آن را نگاهداشت . سمت و سوی تمدن مادی، غرور و غفلت است . تمدن مادی، نه تنها از دین کمک نمی گیرد، بلکه آن را در بستگی ها و پیوندهای اجتماعی، ناکارا می داند . این پندار در آن پایگاه وجود دارد که تمدن را باید بدون در نظر گرفتن این ارزش ها، پایه ریزی کرد: فکر خدا و زندگی اخروی را باید کنار گذاشت . . . باید رافت و رقت قلب را دور انداخت . رافت از عجز است . فروتنی و فرمانبرداری از فرومایگی است . حلم و حوصله، عفو و اغماض، از بی همتی و سستی است . مردانگی باید اختیار کرد . بشر باید به مرحله مرد برتر برسد . عزم و اراده داشته باشد . (13)

این است جانمایه و روح تمدن غرب که از باب نمونه به آن اشاره کردیم . تمدن اسلامی که به دست توانای امام عصر (ع) بنیان گذارده می شود و به تمام جهان گسترش می یابد، جوهره دینی و الهی دارد که این روح در کالبد تمدن دارای جلوه هایی است از این دست:

1 - گسترش عدل و احسان

در تمدن جهانی اسلام، عدل و احسان سنگ زیرین است . عدالت اجتماعی، نخستین و بنیادی ترین کار امام زمان (عج) است . پیامبر (ص) و پیشوایان معصوم (ع) در ترسیم جامعه مهدوی، همه بر این حقیقت انگشت نهاده اند که او خواهد آمد و جهان پر از ستم و بیداد را پر از عدل و داد خواهد کرد . (14) بنابراین، می توان گفت سرلوحه دگرگونی اجتماعی و سرآغاز انقلاب جهانی آن حضرت، احیای ارزش های دینی و اجرای عدالت براساس آن ارزش ها و معیارهاست .

او، ادامه دهنده راه پیامبران و اولیاست، پیامبران وظیفه داشتند برابر کتاب و میزان، مردمان را به دادگری به پا دارند .

لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقسط . (15)

ما فرستادگان خود را با نشانی های روشن و پیغام های راست فرستادیم و با ایشان کتاب و ترازو فرستادیم، تا مردمان را به دادگری به پا دارند .

از این روی او نیز وظیفه دارد برابر کتاب و ترازویی که بر پیامبران فرو فرستاده شده، جامعه انسانی را به دادگری به پا دارد و از نارواها و ستم باز دارد:

ان الله يامر بالعدل والاحسان وايتاء ذی القربى و ينهى عن الفحشاء والمنكر والبغى . . . (16) .

خدا به عدل و احسان و بخشش به خویشاوندان فرمان می دهد و از فحشا و زشتکاری و ستم نهی می کند . این آیت و کریمه قرآنی، که اصول ارزش های فردی و اجتماعی را ترسیم کرده و از ضد ارزش ها و پلیدی ها و ناروایی ها باز داشته است، به معنای واقعی و کامل در عصر ظهور پیاده خواهد شد . عدل، نگهداشت دقیق حقوق مردمان و مبارزه فراگیر، و همه سویه با نابرابری هاست . و احسان، جایگاه برتری در میان ارزش های اجتماعی اسلام دارد که به یک معنی بالاتر از عدالت است . اگر پایه های حقوق انسانی، بر اساس عدالت اجتماعی استوار گردد، جلوه های احسان و نیکوکاری، فضای جامعه را می آکند .

به فرموده امام علی (ع)، عدل، قانونی است فراگیر: «سائس عام» (17) و احسان، ارزشی است ویژه: «عارض خاص» (18) وظیفه نخست در جامعه دینی، نهادینه کردن بنیادهای اجتماعی بر اساس عدل است. اگر مردم، در حکومتی که همه نهادها و ارکان آن، بر هرم عدل استوار گشته، بزنند، ریشه های نوع دوستی، برادری، مهرورزی، توانا می گردند.

اشاره کردیم، جوهر اصلی نظام مهدوی، بندگی است، همان که خدا به آن فرمان داده: «امر الا تعبدوا الا اياه» (19) و بندگی وقتی به اوج می رسد که بنده در راه پیاده کردن آنچه که معبوس از همه چیز بیشتر دوست دارد، تلاش ورزد. اسماعیل بن مسلم می گوید: در محضر امام صادق (ع) بودم که شخصی از آن حضرت پرسید بین این دو آیه شریفه:

«ان الله يامر بالعدل والاحسان» و «امر الا تعبدوا الا اياه»، چگونه می توان جمع کرد؟
امام (ع) فرمود:

نعم، ليس لله في عباده امر الا العدل والاحسان. (20)

بله، خداوند برای بندگان خود، دستوری ندارد، جز اجرای عدالت و عمل به احسان.

به دیگر سخن «عدل» نماد مسائل اجتماعی اسلام است و «احسان» نماد مسائل اخلاقی آن. اگر این دو رکن رکن، در جامعه رواج یابد و ساختار اجتماعی بر این دو استوار گردد، دو واقعیت دیگر که از ویژگی های فرهنگ دینی حکومت مهدوی است، روشن می گردد: مساوات و موااسات.

تراز تمدن حضرت مهدی (عج) عدل است که در پرتو آن، دیگر ارزش ها جایگاه واقعی خود را می یابند.

يطهر الله به الارض من كل جور و يقدها من كل ظلم . . . فاذا خرج وضع ميزان العدل بين الناس، فلا يظلم احد احدا. (21)

با وجود آن حضرت، جهان از هرگونه ستم پاک می شود. . . آنگاه که ظهور کند، میزان عدل را در میان مردم بنیان نهد، هیچکس به دیگری ستم روا نخواهد داشت.

2 - استواری پیوندهای اجتماعی

تار و پود ساختار هر تمدنی را افراد آن می سازند. مردم، با برخورداری از روح جمعی، پایه های تمدن را بنیان می نهند و بر پویایی و بالندگی آن می افزایند. انسان ها، به پاره های پیکر تمدن را می مانند که به هر نسبت پیوند و حیات جمعی آنان بیشتر و بالنده تر باشد، آثار توسعه و تمدن و پیشرفت در جامعه آنان نمایان تر است. در آموزه های اسلامی، مفاهیم و واژه هایی وجود دارد که حاصل معنی و پیام آنها، بنیانگذاری و تواناسازی روحیه جمعی و اجتماعی به گونه فراگیر است مانند:

«تواد» (22) و «تراحم»، «تعاضد» (23) و «تواصي» (24) و از همه گویاتر، واژه «تعاون» که خداوند در آیه شریفه به گونه یک دستور اجتماعی اسلامی می فرماید:

تعاونوا على البر والتقوى ولا تعاونوا على الاثم والعدوان. (25)

در نیکوکاری و خویشتن بانی یکدیگر را همکاری کنید، نه در گناه و تجاوز.

تعاون بر نیکی و نیکویی، به مفهوم گسترده آن، در درون خود، ابزار فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و . . . تمدن اسلامی را داراست. روشن است که پیدایش روح جمعی و تعاون به ابزار ژرف و استوار فراوانی نیاز دارد که همه آنها در درون مبانی نظری تمدن اسلامی ساخته و پرداخته شده است. پیدایش این روحیه در جامعه اسلامی،

پیشرفت های مادی و معنوی و توسعه مادی و تکامل معنوی گسترده ای به دنبال دارد و در زمینه های عاطفی و اخلاقی نیز از سازندگی و ساماندهی چشم گیری برخوردار است .
شهید مطهری می نویسد:

زنده بودن اجتماع به این است که در افراد آن اجتماع روح اجتماعی و حس اجتماعی و عاطفه اجتماعی وجود داشته باشد . . . ; یعنی خودت را همواره به جای دیگران بگذار و برای آنها همان را بپسند که برای خود می پسندی و همان را کراهت داشته باش که برای خویشتن کراهت داری . (26)

این مساله نقش حیاتی و تمدن آفرینی در جامعه های بشری دارد . از این روی، در سیره و روش زندگی پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) به نمونه هایی برمی خوریم که بر این اصل بلند و بنیادی، به روشنی تاکید شده است .

پیامبر (ص) در سفری که با یاران همراه می شود، در منزلگاهی، برای پخت غذا و یا . . . نیاز به هیزم می افتد . همه به جمع آوری هیزم می پردازند و پیامبر نیز . حضرت، با این کار روحیه جمعی و همکاری را به نمایش می گذارد . (27)

یا در کندن خندق در پیرامون مدینه، برای خود سهمی را قرار می دهد و دست به کار کندن می شود . (28) و . . . در سیره امام علی (ع) نمونه های بسیار از این دست دیده می شود که آن حضرت در کارها و حرکت های جمعی، شرکت می جوید . امام صادق (ع) در هنگامه ها، با مردم همراه می شود که از جمله در زمان خشکسالی مدینه، آنچه برای خود ذخیره کرده بود، که تا پایان سال به مصرف برساند، به بازار عرضه کرد، که مباد ذخیره سازی او به مردم آسیب برساند .

در مدینه النبی، داستان ایثار انصار نسبت به مهاجران، آنچنان گویا و روشن است که هر کس اندک آشنایی با آیات قرآن داشته باشد، به این حقیقت پی می برد . قرآن در یادکرد از مناسبت های تاریخی، از این روحیه و سیره مسلمانان به نیکی و زیبایی یاد می کند و با این شیوه، ساختار تمدن درخشان اسلامی را که به دست توانای پیامبر اکرم (ص) و مسلمانان خدا باور و خالص بنیاد نهاده شده، ترسیم می کند:

والذین تبوءوالدار والایمان من قبلهم یحبون من هاجر الیهم ولایجدون فی صدورهم حاجة مما اوتوا و یؤثرون علی انفسهم و لوکان بهم خصاصة و من یوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون . (29)

و کسانی که پیش از ایشان جای در مدینه و در ایمان گرفتند، در حالی که هر کس را که به سوی آنان هجرت کرد دوست می داشتند و در دل خویش نسبت به آنچه داشتند نیازی احساس نمی کردند و دیگران را بر خویش مقدم می داشتند، گرچه آن چیز ویژه ایشان می بود و کسانی که بخل و آز درون مهار کنند، آری همانان رستگارانند .

گزیده سخن آنکه این ویژگی در ساختار تمدن اسلامی و شکوفایی آن نقش بنیادی و اساسی داشته است و همین ویژگی در تمدن جهانی اسلامی به رهبری امام زمان (ع) نیز به گونه ای پر رنگ و گسترده پدیدار خواهد شد . مواسات، مساوات، ایثار، انسان گرایی، انسان دوستی، تعاون و امداد رسانی، در مدینه مهدوی آنچنان ریشه دار و استوار است که گویی همگی در یک خانواده می زیند و نیازهای خویش را از جیب و کیسه یکدیگر بدون مانع برطرف می سازند . «من» و «تو» در آن جامعه رنگ می بازد و «ما» به مفهوم واقعی و راستی، خود را می نمایاند . اسحاق بن عمار می گوید:

کنت عند ابی عبدالله (ع) فذكر مواسة الرجل لاخوانه و ما یجب علیهم، فدخلنی من ذلک امر عظیم، فقال: انما ذلک اذا قام قائمنا و جب علیهم ان یجهزوا اخوانهم و یقووهم . (30)

نزد امام صادق (ع) بودم، و از یاری و غمخواری هر کس با برادرانش و آنچه بر آنان واجب است، سخن به میان آمد. من از این موضوع در شگفت شدم. امام (ع) فرمود: این هنگامی است که قائم ما قیام کند، که در آن روزگار بر همگان واجب است یکدیگر را یاری رسانند و یکدیگر را نیرو بخشند. در آخرالزمان، این مکارم اخلاقی و بزرگواری های انسانی است که پایه های تمدن جهانی اسلام را استوار می سازند.

امام باقر (ع) می فرماید:

... حتی اذا قام القائم جاءت المزامله و یاتی الرجل الی کیس اخیه فیأخذ حاجته لایمنعه. (31)
به هنگام قیام قائم [آل محمد] آنچه می بینی دوستی و یگانگی و تعاون است، تا آنجا که هر کس آنچه نیاز دارد، از جیب دیگری برمی دارد، بدون هیچ دشواری و بازدارنده ای.
به راستی که تصویر و ترسیم چنین جامعه ای دلپذیر و دلنشین است. شاید در زمان ما که رقابت های تنگاتنگ مادی در زندگی ها پدید آمده و چهره معنوی زندگی ها را دگرگون ساخته و روح جمعی و معنوی و برادری را از بسیار کسان گرفته، ترسیم چنین جامعه ایده آلی دشوار و غیرقابل باور باشد. لکن در دوران ظهور و در فضای رهبری امام معصوم (ع) آنچنان روحیه ها پرورش می یابد و ناخالصی ها و غل و غش ها و خودبینی ها و خودخواهی ها، رنگ می بازد که «مزامله» و دوستی ها ناب و خالص می گردد، پیوند انسانی و مهرورزانه، براساس راستی، یکرنگی، یکدلی و یک جانی شکل می گیرد، شیرازه نظام اجتماعی بر محور محبت و دگردوستی و تعاون و تعادل اجتماعی استوار می گردد و فرهنگ مهدویت، جان ها را با تزکیه و اندیشه ها را با تعلیم به اوج پاکی و بالندگی می رساند. در چنین فضایی، همه آنچه به آن اشاره کردیم و بالاتر از آن هم، باور کردنی و پذیرفتنی خواهد بود.

پی نوشت ها :

1. سوره نور (24)، آیه 55.
2. سیری در سیره ائمه اطهار، شهید مطهری، ص 198، صدرا.
3. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، دعای افتتاح.
4. سوره انبیا (21)، آیه 107.
5. سوره سبا (34)، آیه 28.
6. از سخنان آقای هاشمی رفسنجانی، در دومین سمینار گفتمان مهدویت، مدرسه دارالشفاء، آبان 79.
7. کارنامه اسلام، زرین کوب، ص 29، امیرکبیر، تهران.
8. بحارالانوار، ج 52، ص 312.
9. همان، ص 332.
10. همان، ص 380.
11. همان، ص 348.
12. سوره مائده (5)، آیه 55؛ منتخب الاثر، آیه الله صافی گلپایگانی ص 471.
13. انسان کامل، شهید مطهری، ص 160، صدرا.

- 14 . منتخب الاثر ، ص 247 .
- 15 . سورة حديد (57)، آیه 25 .
- 16 . سورة نحل (16)، آیه 90 .
- 17 . نهج البلاغه، حکمت 437 .
- 18 . همان، حکمت 231 .
- 19 . سورة يوسف (12)، آیه 40 .
- 20 . تفسير نورالثقلين، على بن جمعة العروسی، ص 78، چاپ حکمت، قم .
- 21 . کمال الدين، شيخ صدوق، ج 2، ص 372 .
- 22 . ميزان الحكمه، محمدی ری شهری، ج، ص 45، 9، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم .
- 23 . سورة قصص (28)، آیه 35 .
- 24 . سورة عصر (103)، آیه 4 و 5 .
- 25 . سورة مائده (5)، آیه 2 .
- 26 . حکمت ها و اندرزها، شهید مطهری، ص 230، صدرا .
- 27 . سفینه البحار، شيخ عباس قمی، ج 3، ص 218، دارالاسرة .
- 28 . فروغ ابدیت، جعفر سبحانی، ج 2، ص 126، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی .
- 29 . سورة حشر (59)، آیه 9 .
- 30 . وسائل الشیعه، شيخ حر عاملی، ج 8، 414 .
- 31 . بحارالانوار، ج 52، ص 372 .